نگرانی آخر هفته

## دینگ‌دینگ زنگ خطرها

حالا درست است که عموم ما و شما هویت حرفه‌ای فاضل نظری را به عنوان یك شاعر و غزلسرا می‌شناسیم ولی خب در جریان باشید که استاد رئیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم هستند. حضرت استاد روز گذشته در اولین همایش ادبیات کودك و نوجوان بود که با میزبانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شده حرف‌های جالبی زده که خب ما هم پیش از این حسابی در جام‌جم راجع به آن حرف زده بودیم.

رئیس هیأت‌مدیره کانون گفته شاید در کشور شاهد واردات خودرو و تجهیزات الکترونیك هستیم و این‌که برخی افراد بسته به توان مالی‌شان از خودروهای خارجی استفاده کنند، موضوع عجیبی نباشد. این موضوع در عرصه فرهنگ مثل واردات اسباب‌بازی یا پویانمایی و محصولات وابسته به آن است که گرچه نگران‌کننده است اما با توجه به کمبودهایی که در کشور هست جای تعجب ندارد. اما تصور کنید قرار باشد فرش، پسته، نفت و گاز را از خارج وارد کنیم، این موضوع خیلی جانکاه و نگران‌کننده برای آینده خواهد بود. در عرصه فرهنگ این موضوع یعنی واردکردن ادبیات به‌ویژه در حوزه کودك به‌واقع جای نگرانی دارد و باید زنگ خطرها به صدا درآید.

مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با اشاره به توجه روزافزون به ادبیات، پویانمایی و مسائل فرهنگی خارجی برای کودکان و نوجوانان در جامعه امروز ایران، تصریح کرد: بخش تراژیك قصه این است که اولیا و خانواده‌ها با هزینه‌هایی که برای خرید محصولات خارجی برای کودکان صرف می‌کنند، بهای مستعمره‌شدن کودکان‌مان در حوزه فرهنگی را پرداخت می‌کنند. متأسفانه قهرمان‌های کودکان ما چهره‌هایی شده‌اند که در پویانمایی و داستان‌های خارجی وجود دارند.

وی در این بخش از سخنان خود روند یکسویه وارد شدن ادبیات خارجی و ترجمه‌ای را نگران‌کننده دانست و اظهار کرد: در داد و ستد فرهنگی، ترجمه نقش مهمی دارد ولی نباید این موضوع یك‌سویه باشد. ایران به واسطه ادبیات و شعر به عنوان کشوری فرهنگی در جهان شناخته می‌شود. با سرعت حرکت کردن به سوی ادبیات کودك و نوجوان خارجی در آینده، سؤال‌های فرهنگی بسیاری برای کودکان ما ایجاد خواهد کرد.

جمشید جهانزاده بازیگر فیلم‌های کشتی آنجلیکا، جنگ نفتکش‌ها و طوفان

## گفت‌وگو با جمشید جهانزاده، بازیگر نقش‌های منفی فیلم‌های دریایی

# اتفاقی افتادم وسط دریا!

**در سالروز گرامیداشت نیروی دریایی ارتش نگاهی انداختیم به سرود «خلبانان ملوانان» که حدود ۴ دهه از عمرش می‌گذرد و هنوز در ذهن مردم زنده است**

# ماجرای یک سرود ۴۰ ساله

زینب مرتضایی‌فرد
فرهنگ و هنر


**می‌توانی دستت را بگذاری روی خطوط نقشه و مرزها را با انگشت‌هایت لمس کنی، می‌توانی به این فکر کنی که نگهداشتن هر وجب از کشوری که حالا در آن زندگی می‌کنیم چه دشواری‌ها داشته و دارد. بعد هم بیت درخشان دکتر مهدی حمیدی شیرازی در شعر «در امواج سند» را با خود مرور کنی: به پاس هر وجب خاکی از این ملك / چه بسیار است، آن سرها که رفته!**

**مرزهای ایران هر چند بیشتر زمینی‌اند اما مرزهای آبی هم شاهرگ‌های حیاتی هستند که از شمال تا جنوبش را در بر گرفته‌اند. از خزر تا عمان و خلیج فارس. آسمان بالای سرمان هم، آسمانی که در دور تا دور مرزهایمان است، مرزهای هوایی سرزمین ایران را شکل داده و این همه در جهان ناامنی که در آن زندگی می‌کنیم، نیازمند مراقب و نگهبانی بسیار است.**

**امروز که سالروز نیروی دریایی ارتش است، رفته‌ایم سراغ سرودی که در ذهن بسیاری از ما با خاطره سال‌ها دور گره خورده است. یك سرود حماسی با ریتمی نسبتا آرام، یعنی درست برخلاف آنچه از یك سرود حماسی انتظار داریم. سرود «خلبانان ملوانان» ساخته فیروز برنجان یك اثر حماسی خاص و به یادماندنی است که درست عکس مسیر اغلب سرودهای حماسی پیش رفته است؛ ریتمش نه تند است و نه کوبنده، اما همجواری حماسه و ریتمی نسبتا ملایم در کنار یکدیگر که نتیجه خوبی داشته است.**

### به تاریخ اولین روز جنگ

روایت

حالا جالب است بدانید این سرود در چه روزی ساخته شده و چه فاصله کوتاهی بین شکل‌گیری ایده و اجرای آن وجود داشته است. رادمنش درباره ساخت این قطعه این‌طور می‌گوید: «۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ جمشید نجفی منزل ما مهمان بود و من مشغول نوشتن نت قطعه‌ای بودم که باید فردای آن روز در رادیو ضبط می‌شد.»

او ادامه می‌دهد: «همان موقع از حمله عراق به ایران باخبر شدیم. به علت نزدیکی خانه ما به فرودگاه، صدای مهیب انفجاری را شنیدیم و مثل همه همسایه‌ها به پشت بام رفتیم. بهت زده ایستاده بودم که با دست اشاره کردم و بلند گفتم «پرواز کن!» جمشید گفت چی؟! گفتم هیچی، شما فقط فردا در رادیو حضور داشته باش. تا صبح روز بعد، شعر و آهنگ «خلبانان» را ساختم و تنظیم کردم و به سازمان رفتم. آن زمان خودم عضو شورای موسیقی سازمان بودم. سرود را به همکاران دیگرم نشان دادم و آنها هم استقبال کردند. تصمیم به ضبط گرفتیم. این قطعه توسط ارکستر بزرگ رادیو و ارکستر آذربایجانی در استودیو ۸ رادیو اجرا شد.»

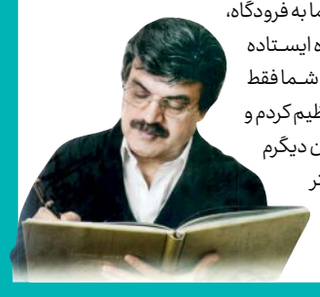

### خواننده‌ای که شاید به نام نشناسیم

حماسه

جمشید نجفی خواننده قطعه خلبانان، ملوانان است. او هم در خوانندگی این قطعه توانسته اجرای خوبی ارائه کند و در ذهن‌ها ماندگار شود، هر چند شاید خیلی‌ها به نام نشناسندش، اما همین که از سرود مورد نظر حرف بزنیم خیلی‌ها برایمان از خلبانان، ملوانان و روزهایی که آن را شنیده‌اند، خواهند گفت.

او این سرود را یکی از بهترین و تاثیرگذارترین کارهایش می‌داند و می‌گوید: بهترین خاطرات من در روزهایی که موسیقی رواج چندانی نداشت این است که این سرود تاثیر بسیاری در روند موسیقی‌های حماسی و دفاع مقدس داشته است.

او ادامه می‌دهد: در ملاقات‌هایی که با بسیاری از خلبانان کشورمان داشته‌ام همیشه از انرژی بخش بودن این قطعه هنگام انجام عملیات‌ها سخن گفته‌اند و به دلیل این‌که این آهنگ با دو زبان فارسی و آذری اجرا شده تصور می‌کنم تاثیرگذاری بسیاری روی مخاطبان داشته است. جای تم‌هایی با مضامین حماسی و دفاع مقدس در موسیقی امروز کشورمان به‌شدت احساس می‌شود.

### یك سرود فارسی- آذری

سرود خلبانان ملوانان را همان‌طور که گفتیم فیروز برنجان که البته نام هنری‌اش بابك رادمنش است، ساخته. او بیش از ۴۰ سرود انقلابی را آهنگسازی کرده که این یکی حسابی در ذهن‌ها ماندگار شده است. ناگفته نماند که این هنرمند پدر سامی یوسف است، خواننده جوانی که در جهان اسلام هواداران بسیاری دارد. ترانه کار را هم شخصا سروده و به خوانندگی جمشید نجفی با همراهی گروه کر و ارکستر صدا و سیما ضبط شده است. برنجان ترانه این کار را به دو زبان فارسی و ترکی سروده و بخشی از کار را خواننده و گروه کر به زبان مادری این آهنگساز و ترانه‌سرای اهل تبریز می‌خوانند. خواننده کار هم اصالتا آذری است و ترکیب این دو نفر فضای جالبی را ایجاد کرده است. موسیقی‌ای که برای سرود در نظر گرفته شده هم درونمایه‌های موسیقی آذری را دارد و درست زمانی هم تولید می‌شود که بیشترین تاثیر را بر جامعه دارد، درست در روزهایی که سایه شوم حملات صدام بر سر ایران می‌افتد و همه پا در این مسیر می‌گذارند تا در جنگی غالب شوند که جهان آتشش را افروخته و نباید در آن وجبی از خاك کشور به دست دشمن بیفتد.

### در نهایت سادگی

می‌گویند سادگی بهترین مد جهان است، چون هیچ‌وقت از مد نمی‌افتد! راست می‌گویند دیگر. نمونه‌اش همین سرودی است که از آن حرف می‌زنیم و عمری حدودا ۴۰ ساله دارد. موسیقی ساده، کلام ساده و ریتمی آشنا و گوشنواز که برای یك سرود تا به امروز حیاتی ۳۹ ساله را فراهم کرده است.

می‌توان این اثر را سرودی با چند دهه عمر دانست و هنوز هم با شنیدنش حتی نسل تازه و آنهایی که تجربه دوران جنگ را ندارند هم می‌توانند با ریتمش ارتباط برقرار کرده و بخش‌های فارسی‌اش را به راحتی و ناخودآگاه در حافظه خود نگه دارند. مگر یك سرود خوب چه می‌خواهد جز این موارد؟

پشت صحنه

## کبری خانم، جمشیدخان و ترك اعتیاد

خب عارضیم به حضور شما که بخش قابل توجهی از دوستان گروه فرهنگی فعلا در یك استخوان‌درد تاریخی به‌سر می‌برند. نه نه! اشتباه نکنید! بحث فصل سرما و آنفلوآنزا و این صحبت‌ها نیست. بحث بر سر ترك اعتیاد است. بعد از حواشی اخیر و قطع و وصل‌های اینترنت، هنوز که هنوز است اینترنت سیمکارت‌های موبایل وصل نشده و طبعا دوستان توی یك ترك اعتیاد اجباری افتاده‌اند و از آنجا که ترك عادت موجب مرض است، فعلا توی ترك هستند و این ترك هم دوستان را به استخوان‌درد انداخته و روزانه شاهد ناله‌های دوستانِ توی ترك هستیم. خلاصه که قضیه این است.

فی‌الحال هم که این ستون مشغول نگارش است، دوستان میز بغلی در گروه رسانه، طبق معمول تحریریه را گذاشته‌اند روی سرشان. این مرتبه هم دور هم جمع شده‌اند و در کنار بزرگِ روزنامه جناب استاد شیرازی که مدیر فنی هستند در حال ثبت یك فقره عکس خویش‌انداز(سلفی) هستند و سر و صدا و داد و بیداد. حالا تصور بفرمایید که در چنین شرایطی ما در گروه فرهنگی چقدر وجدان کاری داریم که در چنین اوضاع بلبشویی مشغول تهیه و تدارك چهار صفحه مبسوط فرهنگی هستیم. آری چنین است برادر!

و اما بعد... امروز هفتم آذر است. اگر در جریان مناسبت‌های تاریخی نیستید باید خدمت‌تان عرض کنیم که این روزها مصادف است با بزرگداشت نیروی دریایی. استاد رستگار هم منتظر فرصت که سرتیر برود سراغ جمشیدخان جهان‌زاده بازیگر جنگ نفت‌کش‌ها، کشتی آنجلیکا و توفان که در گونه فیلم‌های دریایی تبدیل به یك بدمن و نقش منفی ثابت شده است. اجمالا که در جریان باشید علی آقای سینمایی حسابی با جمشیدخان به گپ و گفت نشسته و از توی این گپ و گفت، یك مصاحبه جذاب بیرون کشید آنچنان که افتد و دانید! ورق بزنید و بروید صفحه ۱۱.

در ادامه همین موضوع، زینب مرتضایی‌فرد، بانوی فرهنگی گروه هم رفته سراغ قطعه خاطره‌انگیز و به‌یادماندنی «خلبانان ملوانان» و او هم یك گزارش جذاب و نمکین با طعم خاطره‌انگیز از دل این سوژه بیرون کشیده که می‌توانید توی همین صفحه بروید سراغش و سطر به سطر به گوش جان نیوش کنید.

خب رگ نوستالژی شما را قلقلك بدهیم و همین‌طور ول کنیم به امان خدا. توی صفحه ۱۰ هم رفته‌ایم سراغ یکی دیگر از خاطره‌انگیزهای دیگر شما و خودمان. داریم از «تصمیم کبری» صحبت می‌کنیم که قرار است از نویسنده‌اش در قالب یك مراسم تقدیر شود. آی که آه‌ها به فغان خواهد رسید و به دل آسمان خواهد رفت. بیش از این به انتظارتان نمی‌گذاریم و فی‌الفور ورق بزنید و بیفتید به جان گزارش صفحه ۱۰.